



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۲۲



قاسم باز

## نقش داکتر محمد حسن شرق در تحول ۲۶ سرطان بسم الله الرحمن الرحيم !

انانیکه کتاب های یک عده سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان از قبیل داکتر محمدحسن شرق، عبدالحمید محتاط، غوث الدین فایق، را خوانده باشد این بزرگان هر کدام شان بطور انفرادی خود را هیروهای تحول ۲۶ سرطان وانمود ساخته. آنها به این باور اند و میفرمایند: اگر ما نمی بودیم هیچکس نمی توانست نظام جمهوری را در کشور پایه گذاری نماید. سبحان الله به این قضاوت!! این جنابان چی در کتابها و چی مصاحبه های خود طوری وانمود میسازد که آنها همه کاره تحول ۲۶ سرطان بود و ملت افغان باید مرهون این جلالتمابان باشد، در حالیکه چنین نیست. کودتا نظامی کار نظامیان است نه از مامورین ملکی مستعفی، البته ما نمی توانیم از نقش افراد ملکی در جلب و جذب یک عده نظامیان چشم پوشی کنیم.

اگر یک شخص یک واقعه را از عمق به دید وسیع بدون حب و بغض ببیند و انرا درست تحلیل و تجزیه نماید در انصورت ان فرد یا شخص میتواند به بسیار اسانی به حقایق دسترسی پیدا کند.

از انجائیکه امروز ان عده افراد که سنگ تهادب گذاری اولین جمهوریت را به سینه میزند و بشکل کوبایی و دراماتیک اظهار میدارد، که این من یا ما بودیم که نظام جمهوری را در افغانستان پایه گذاری و سستم سلطنتی را از بین بردیم، فکر میکنم اینگونه بلند پروازیه کار عاقلانه نبوده آنها به خطا رفته اند، از این جمله افراد هریک بطور انفرادی جناب داکتر صاحب محمد حسن شرق، عبدالحمید محتاط و شخصی بنام غوث الدین فایق است. داکتر محمدحسن شرق یکی از مامورین مستعفی ملکی در روز تحول ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ بود، در کامیابی کودتا عسکری نقش عمده را نظامیان بر حال در وظیفه رسمی، اجرا میکنند و رول آنها از افراد ملکی به هزارها مراتب بلند تر میباشد، این نظامیان است که نقش عمده را در کامیابی و ناکامی کودتا یا تحول بازی میکنند نه مامورین ملکی و مستعفی.

اگر من از جناب داکتر صاحب حسن شرق سوال کنم که وی پیش از پیروزی تحول ۲۶ سرطان چند نفر نظامی را به تحول ۲۶ سرطان جذب نموده؟ ان افسران جذبی وی کیها بودند؟ نقش آنها در شب تحول ۲۶ سرطان چی بوده؟ چی نقش عمده را در شب تحول ۲۶ سرطان بازی کردند؟ ایا انهایکه توسط وی به کودتا جذب شده بودند سرگروپ های کودتا بودند؟ یا نخیره. فکر نه کنم که داکتر صاحب نام و اسم چهار فرد نظامی برحال در وظیفه رسمی در انشب را برایم گرفته بتواند. بلی میدانم که وی شاید در جواب من خواهد فرمود، که یوسف فراهی و آقای مولاداد، که هر دو انها از ولایت فراه بودند خواهند گرفت!! یوسف و مولاداد پیش از تحول ۲۶ سرطان صاحب منصبان بسیار پایین رتبه تا پیروزی در کودتا بودند. بعد از پیروزی تحول هر دو انها دو رتبه گرفت یکی بحیث قوماندان قوا پانزده زره دار و دیگر شان بحیث ریس اداری وزارت دفاع تقرر یافتند، البته مولاداد تانکیست کسی بود که به فیض محمد وزیرری دوستی و رفاقت داشت، مولاداد برای بار اول زمینه ملاقات داکتر صاحب محمد حسن شرق را به فیض محمد وزیرری نظر به هدایت مرحوم داودخان در منزل شخصی مولادادخان مساعد ساخته بود. یوسف خان فراهی و آقای مولاداد جذبیهای جناب داکتر صاحب شرق بودند، یوسف فراهی بعد از تحول ۲۶ سرطان به حیث قوماندان قوا پانزده زره دار مقرر گردید، وی افسر مرموز بود تا روز کشته شدنش یعنی چاشت روز ۷ ثور ۱۳۵۷ کسی نمی دانستند که وی عضویت حزب پرچم را دارد. بهمین خاطر خلقیان تا روز کودتا ۷ ثور از عضویت وی در حزب پرچم نمی دانستند، خلقی ها ساعت سه بجه چاشت روز هفت ثور وی را در داخل قوا پانزده زره دار پلچرخی به قتل رساند. جان نثار ریس استخبارات وزارت دفاع که وی نیز یکی از پرچمی های مخفی بود نیز به عین سرنوشت یوسف فراهی در راه سرک پلچرخی نزدیک حربی پوهنتون از طرف کودتاچیان ۷ ثور کشته شد. شخص ریس اداری وزارت دفاع به اسم مولاداد تا حال ناپدید گشته زنده و مرده ان گم و نامعلوم شد. عبدالوکیل خواهرزاده ببرک کارمل و مسول بخش نظامی حزب پرچم در کتاب خود بنام ( از سقوط سلطنت مطلقه تا سقوط حکومت حزب دیموکراتیک؟ ) هر بلا که است // از عضویت این دو نفر افسر نظامی درحزب پرچم در کتاب خود پرده برداشته. مینویسد که: « آنها اعضای مخفی حزب پرچم بودند که در دوران جمهوریت سنگ ملی گرایی به

د پانوی شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکی په خیر و لولی

## سینه میزدند. »

بغیر از این دو فرد نظامی که توسط داکتر صاحب شرق به تحول ۲۶ سرطان جذب شده اگر کسی مهربانی کند یکی دو نفر دیگر را که جناب داکتر صاحب شرق به کودتا ۲۶ سرطان جذب نموده باشد نام ببرد ممنون میشوم. ان عده سر گروپهای کودتا ۲۶ سرطان که در جلب و جذب افسران کودتای ۲۶ سرطان نقش بارز داشت عبارت بودند از ، غلام حیدرخان رسولی، غوث الدین فایق، پاچاگل وفادار و ضیا مجید . آقای ضیا مجید در قطعه مربوطه انضباط شهری هر یک صاحب جان خان که یک شخص مسلمان بود بعداً قوماندان گارد، نبی عظیمی و وو را به تحول ۲۶ سرطان جذب کرده بودند. غلام حیدر رسولی چون در سابق ریس ارکان قوا چهار زره دار بود اکثریت تانکست های قوا چهار و قوا پانزده زره دار با جمع ده عراده تانک های خدمتی قوا چهار زره دار که در ارگ سلطنتی اجرا وظیفه می نمود تماس داشت. غوث الدین فایق اولین شخص بود که از طرف محمد داودخان برایش گفته شده بود که موضوع کودتا را همراهی پاچا گل مطرح سازد. غلام حیدر خان، رسولی بعداً وزیر دفاع ملی، پاچا گل وزیر سرحدات ، ضیا مجید قوماندان گارد جمهوری، سید عبدالاله وزیر مالیه و معاون ریاست جمهوری، عبدالقدیر نورستانی قوماندان ژاندارم پولیس بعداً وزیر داخله ، غوث الدین فایق وزیر فواید عامه، و سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه را شخصاً مرحوم داودخان به کودتا جذب نموده بودند. در این وقت غوث الدین فایق همراهی عبدالحمید محتاط و فیض محمد وزیری نیز بتماس شده آنها را نیز وی ( غوث الدین ) به کودتا تشویق نموده بود که عبدالحمید محتاط توسط پاچاگل وفادار جذب گردیده بود. چون در انوقت داکتر صاحب محمد حسن شرق وظیفه دولتی نداشت مرحوم داودخان وی را به حیث شخص دوم کودتا و بسیار معتمد خود انتخاب و اکثر دید وادیدها را به سرگروپان کودتا به وی محول شده بود.

## نقش سر گروپ ها در شب کودتا و پیروزی تحول ۲۶ سرطان.

- ۱- غلام حیدر خان رسولی سوق و اداره قوتهای قوا چهار و قوا پانزده تانک از پلچرخي بطرف شهر کابل و گرفتن موضع های مهم وسوق الجهیشی در شهر کابل.
- ۲- پاچا گل وفادار و عبدالحمید محتاط سوق و اداره قوا هوایی.
- ۳- فیض محمد وزیری که پیش از تحول ۲۶ سرطان امر حرکات و اپراسیون قطعه کوماندو بود سوق و اداره قطعه کوماندو با همکاری حبیب الله زرمتی معاون تولى تانک در داخل گارد شاهی و خلع نمودن قطعه گارد شاهی .
- ۴- ضیا مجید و همکاران وی صاحب جان خان و نبی عظیمی گرفتاری مامورین عالیرتبه ملکی و نظامی. اشغال رادیو افغانستان و مرکز مخابرات.
- ۵- غوث الدین فایق مسول تمام گرفتاریها و همکاری در خاموش ساختن مقاومت یک دو افسر محافظ حرم سرای ارگ .
- ۶- عبدالقدیر نورستانی مسول محبوسیت محبوسین در منزل شخصی خود.
- ۷- پاچاگل وفادار آوردن دو مخابره از قوماندانی عمومی قوا هوایی خواجه رواش در موتر شخصی داودخان به همکاری داکتر صاحب محمد حسن شرق یکی به منزل داودخان و دیگر بخاطر گرفتاری مامورین عالیرتبه دولت به قطعه انضباط شهری نزد ضیا مجید.
- ۸- سید عبدالاله در شب ۲۶ سرطان فرد ارتباطی تمام سرگروپها کودتا بوده وی در ان شب اکثر وقت همراهی غلام حیدرخان رسولی سپری نمود و در هر جا همراهی رسولی صاحب حاضر می بود. خوب حالا که از نقش سرگروپهای و افراد شامل در کودتا دانستید. باید به عرض شما برسام ان اینکه ، مرحوم داودخان داکتر محمد حسن شرق و عبدالکریم مستغنی را بخاطر اینکه ، اینها اولین کارمندان دولت در دوران صدارت داودخان بودند، روزیکه داودخان مرحوم از وظیفه صدارت استعفا نمود در ملکی اولین شخص سردار محمد نعیم خان و بعد از او، آقای داکتر صاحب محمد حسن شرق و در نظامی اولین شخص جناب جنرال عبدالکریم مستغنی بود که بطرفداری داودخان از وظایف دولتی استعفا نمودند. داودخان هم بخاطر این فداکاری انها وقتیکه بقدرت رسید در ملکی داکتر شرق و در نظامی جنرال مستغنی را به حیث دو همکار و دوبازو خود مقرر نمودند. لازم به یاد اوری است که در شب تحول ۲۶ سرطان جناب جنرال عبدالکریم مستغنی که وی در انوقت ریس ریاست زره دار اردو در وزارت دفاع ملی سلطنت که یک مقام اداری بود ایفا وظیفه می نمود جنرال عبدالکریم مستغنی در کودتا بلفعل حضور نداشت ولی بلقوا از جریان کودتا باخبر بود. وی یگانه جنرال اردو شاهی بود که از شب کودتا ان هم توسط شخص داودخان مطلع شده بود. از این هم باید انکار ننمود که داکتر محمد حسن شرق در ده سال خانه نشینی مرحوم داودخان از طرف حکومت شاهی ان وقت بخاطر دوستی وی به داودخان زیاد زجر و مشکلات را متقابل شد. حتا تا این سرحد که معاينه خانه شخصی وی را بستند. داکتر محمد حسن شرق در پیروزی تحول ۲۶ سرطان بسیار جان فشانی نموده ، داودخان هم بخاطر زجرهای که داکتر شرق در دوران سلطنت متقابل شده بود نیز به وی در تعیین وزیران کابینه حق معرفی شش وزیر را عنایت فرمود. این دوست داودخان بتمام اعتماد که داودخان به وی داشت، وی ( داکتر شرق ) جیلانی

باختری، نعمت الله پژواک، داکتر نظر محمد سکندر را در کابینه جای داد. داودخان پیش از تحول ۲۶ سرطان در سال ۱۳۵۱ یکبار جیلانی باختری را در پغمان در منزل خود به وساطت داکتر صاحب حسن شرق دیده بود. جیلانی باختری و آقای عبدالستار شالیزی از دوستان بسیار نزدیک داکتر صاحب شرق بودند.

امروز یک تعداد مردم که بالای داودخان و کابینه وی ایراد میگیرند و میگویند که در تحول ۲۶ سرطان کمونستها جای داشت علت تقرر این چند وزیر که توسط داکتر صاحب شرق منحیث دوستان شخصی وی در کابینه جمهوریت عضویت پیدا کرده. آیا فکر میکنید که جناب نعمت الله پژواک وزیر داخله حکومت محمد موسی شفیق صدراعظم از کودتا خبر بوده باشد، پس اگر پژواک خبر بوده باشد انتخاب داودخان، میوندوال و محمد موسی شفیق در حصه همکاران شان از هم چندان فرق نداشت، هم داودخان هم موسی شفیق و هم محمد هاشم میوندوال در انتخاب دوستان خود و کابینه مرتکب اشتباه شده اند.؟ باید بخاطر وضاحت موضوع صادقانه گفت که نعمت الله پژواک و نظر محمد سکندر این دو وزیران در تحول هیچگونه نقش و اشتراک نداشتند آنها از علاقمندان داودخان بودن. نعمت الله پژواک در شب کودتا ۲۶ سرطان وزیر داخله حکومت محمد موسی شفیق بود، جیلانی باختری نیز پیش از کودتا یک از روسای مهم حکومت محمد موسی شفیق بودند. در سالهای اخیر جمهوریت وزیر دیگری که داکتر صاحب شرق به داودخان معرفی کرد ان مرحوم جمعه محمد محمدی بود که بحیث وزیر اب و برق تقرر یافت. البته باید به صراحت گفت که در تقرر جیلانی باختری داکتر شرق رول داشت، با عضویت جیلانی باختری در کابینه جمهوریت مردم هم حق داشت بگویند که در کودتا ۲۶ سرطان حزب پرچم دست دارد. داکتر حسن شرق در کتاب ( کرباس پوشان برهنه پا ) خود می نویسد، که من از این انتخاب خود شرمنده هستم.

علت دوم که مردم بالای مرحوم داودخان اعتراض گرفتند ان تشکیل کمیته مرکزی بود، که در بین مردم افغانستان این نام به یکی از واژه های روسی شهرت یافته بود. نام گذاری اعضای سرگروپ کودتا به نام کمیته مرکزی ضربه دوم بود که مردم بالای نظام جمهوریت علاوه نمود. جگرن خلیل مشهور به ( خلیل سگ باز ) که نه عضویت سرگروپها و نه از کمیته مرکزی را داشت در عکس که در اخبارها و جراید در روز سوم یا چهارم کودتا ۲۶ سرطان در اخبار های انوقت نشر شد، بودن وی توسط هر کس که در ان روز وی را آورده بود و در ان مجلس نشسته بود مردم را متقاعد ساختند که واقعاً این کمیته نظامی متشکل از افراد روس پرور است، در حالیکه تنها در انوقت یک نظامی که عضویت مخفی حزب پرچم را داشت ان شخص فیض محمد وزیری بود که بطور انفرادی در تحول ۲۶ سرطان جذب شده بود، دیگران هر کدام، غلام حیدرخان رسولی، سید عبدالاله، عبدالقدیر نورستانی، غوث الدین فایق، پاچاگل وفادار، عبدالحمید محتاط مربوط گروه کار، سرور نورستانی و ضیا مجید در انوقت عضویت حزب دیموکراتیک خلق را نداشتند. جناب پاچا گل وفادار در دو مصاحبه تلویزیونی با تلویزیون رادیو بی بی سی و اریانا نیل مسکینیار میگویند که داودخان یک تعداد اعضای تحول ۲۶ سرطان را بعد از پیروزی تحول پرچمی و خلقی ساخت. که این یک حقیقت انکار ناپذیر است.

بعد از رفتن داکتر محمد حسن شرق به جاپان بحیث سفیر افغانستان و پس از اعلان و تاسیس حزب انقلاب ملی، حزب پرچم و خلق در سال ۱۳۵۶ پیش از وحدت حزب شان بخاطر رقابت که آنها در بین خود داشتند هر دو حزب خلق و پرچم کوشیدند تا خود را به نظام جمهوری نزدیک سازد. حفیظ الله امین توسط عیسی نورزاد ریس استخبارات وزارت داخله خسربره عبدالقدیر نورستانی وزیر داخله جمهوریت به وی نزدیک شد. حفیظ الله امین به بهانه اینکه من تمام افراد و اشخاص اعضای حزب پرچم که در دستگاه حکومت بطور مخفی کار میکنند افشا میکنم و از اعمال آنها دولت را باخبر میسازم. در این وقت در یاست استخبارت وزارت داخله افراد حزب پرچم شخص بنام قطره معاون استخبارات وزارت داخله و غلام فاروق یعقوبی امر جنایی وزارت داخله وظایف اساس و مهم داشتند، آنها راپورهای یومیه یا هر روزه استخباراتی دولت را به رهبران حزب خود شریک میساختند.، حزب پرچم نیز در این راه کوشید تا از حریف خود یعنی حزب خلق کم نه ماند آنها نیز ارتباطات خود را به یک عده افراد بلند پایه دولت بخصوص اعضای کمیته مرکزی حزب انقلاب ملی برقرار نمود. تا جای پای در دولت داشته باشد، این روش را در الفبا سیاست جاسوسی ضد جاسوسی می نامد.

عبدالوکیل خواهرزاده ببرک کارمل وزیر مالیه دوران کارمل و وزیر خارجه دوران داکتر نجیب الله بطور دستوری ازحزب پرچم وظیفه گرفته تا خود را به دولت مردان انوقت جمهوریت نزدیک سازد، عبدالوکیل بنام اینکه وی میخواهد پلانهای حزب خلق شاخه نور محمد تره کی و حفیظ الله امین را به دولت جمهوری افشا می کند. همچنان در سال ۱۳۵۶ میر اکبر خیبر دو بار بعد از ۸ بجه شب یکبار توسط پدرم و باری دیگر توسط برادرم میر اکبر خیبر، داودخان را در منزل شخصی داودخان ملاقات نموده. وی به ادعا و بهانه اینکه مناسبات من همراهی حزب پرچم در بسیاری مسایل و موضوعات به اختلاف نظر گرایده میخوام نصب حزب پرچم را در حزب انقلاب ملی مدغم سازم. ولی دولت انوقت باور و عقیده داشت که خیبر در گفتار خود صادق نیست. گردانندگان حکومت انوقت به این فکر بودند که میر اکبر خیبر میخواهد دستوری پرچم در حزب انقلاب ملی داخل شود چنانچه این حدس و گمان به حقیقت پیوست. اما بعد از کشته شدن میر اکبر خیبر معلوم شد که وی راستی میخواست همراهی حزب پرچم خط و برید نماید چنانچه این اختلاف وی با حزب پرچم منجر به قیمت مرگ و قتل وی تمام شد.

انهایکه ادعا دارد و میگوید حزب پرچم در پیروزی کودتا ۷ ثور سال ۱۳۵۷ نقش نداشت بنظر من این یک ادعای دور از

حقیقت است. چرا؟

**الف -** روسها کودتا هفت ثور را چنین طراحی نموده بود که اگر در وقت کودتا دیده شود که کودتا به شکست مواجه میشود باز اعضای حزب پرچم بطرفداری حزب خلق، طرفداران داودخان را سرکوب نماید چنانچه در ساعت های ۶ و ۷ بجه شام وقتیکه اسلم وطنجار در اثر مقاومت دلیرانه گارد جمهوری مقابل شد و سربازان دلیر گارد جمهوری به قوماندانی صاحب جان خان، محترم تاج یار، سلطان چوپان، و محمد سرور چپرهای چندین عراده تانک های کودتاچیان ۷ ثوری را در پیش روی ارگ تخریب نمود، اسلم وطنجار به تانک های زیر قومانده خود امر عقب نشینی بطرف پلخرخی داد. وقتیکه کودتاچیان مطمئن شدند که در مقابل ضربات گارد جمهوری کاری کرده نمی تواند در این وقت قوتهای تانک قوا پانزده که قوماندانان ان محمد یوسف فراهی و یکی از جذبیان داکتر محمد حسن شرق به تحول ۲۶ سرطان بود ان قطعات تانک به قوماندانی شیرجان مزدوریار قوماندان کندک تانک ان لیوا و شخصی بنام جگرن شهزاده قوماندان دیگر کندک تانک ان لیوا که خسر وی بنام جنرال باباجان که در انوقت قوماندان پوهنتون نظامی تخنیک بود بنام مدافعین گارد از صاحب جان خان قوماندان گارد جمهوری که هم صنفی و رفیق شبانه روزی شیرجان مزدوریار بود در مخابره به صاحب جان قوماندان گارد جمهوری تماس برقرار می نماید، شیرجان مزدوریار به صاحب جان قوماندان گارد میگوید که من بخاطر محافظت و دفاع گارد امیدم، صاحب جان خان هم به وی اجازه میدهد که امنیت ارگ و گارد جمهوری را بگیرد، وقتیکه تانک های آنها داخل موضع میشود دوباره آنها میل های توپ های تانک خود را بطرف گارد و ارگ میکند همان بود که اسلم وطنجار دوباره از نزدیکی های پلخرخی باری دیگر بطرف ارگ و رادیو افغانستان می آید. باید علاه نمود که تا این وقت هیچ کس نمی دانست که یوسف فراهی قوماندان قوا پانزده زره دار به قتل رسیده، اصلاً یوسف فراهی ساعت سه بجه روز ۷ ثور از طرف خلقیان که در قوا پانزده زره دار وظایف داشتند بنام اینکه وی طرفدار نظام جمهوری است به قتل میرساند، خلقیان از عضویت وی در حزب پرچم نمی دانستند. چنانچه عبدالوکیل این موضوع را در کتاب خود بنام ( از سقوط سلطنت مطلقه تا سقوط حکومت حزب دیموکراتیک ) ذکر نموده. در همین روز جنرال منان خان شینواری قوماندان مدافع هوایی کابل که عرض ماموریت یعنی دیدن سرحدات لوی ولسوالی کنر عازم جلال اباد بود در راه کابل پلخرخی پیش روی قوا چهار زره دار کودتاچیان وی را از موتر والگه جنرالی پایین میکند وی را در انجا به شهادت میرساند.

**ب -** همچنان دو شب قبل از وقوع کودتا یعنی در شب ۵ و ۶ ثور سال ۱۳۵۷ جگرن محمد رفیع پرچی که وی در انوقت بحیث ریس ارکان قوا چهار زره دار و در ضمن در غیاب سرور نورستانی که وی به بهانه تداوی خانم خود چند روز قبل از کودتا همراهِ خانم خود به مسکورفته بود بحیث سرپرست قوماندانی ان قوا ایفا وظیفه می نمود، سپری می نماید. جگرن محمد رفیع که بعد از پیروزی کودتا هفت ثور بحیث وزیر فواید عامه تقرر یافت در روز کودتا ۷ ثور بنام تطبیقات نظامی به تانک های اسلم وطنجار به هر تانک که باید دو مرمی داده میشد بیست مرمی میدهد.

**ت -** خلیل مشهور به (خلیل سگباز) پرچی مسول غند توچی مهتاب قلعه بعد از ۶ بجه شام بطرفداری کودتاچیان خلقی قوماندانی قوا مرکز یعنی قصر تاجبیک که در انوقت غلام حیدرخان رسولی به همراهی لوی درستیز و رئیس ارکان قوا مرکز در انجا بودند زیر آتش میگردد.

**ث -** در روز کودتا به تعداد دوازده الی شانزده نفر افسران بلند پایه حزب پرچم در گارد جمهوری ایفا وظیفه مینمود وجود داشت انها بعد از شش بجه شام پروگرام خنثی سازی مقاومت گارد جمهوری را با خلقیان کودتاچی هم اهنگ ساخت انها در قدم اول فرزند دلیر و صادق میهن دگرمن سرورخان چپرهای قوماندان کندک پیاده گارد جمهوری که وی دران روز و شب به ده ها تانک و پرسونل ان را گرفته و در داخل گارد جمهوری نگاه داری و مردانه وار از جمهوری دفاع میکرد وی پیش روی ارگ و گارد جمهوری به ده ها تانکها کودتاچیان را نیز منهدم ساخته بود از طرف پرچمیان داخل گارد جمهوری از عقب پیش روی دروازه دخولی گارد جمهوری به مرمی کلاشنکوف زده بعد از یکی دو ساعت وی به شهادت میرسد. به شهادت رسیدن این فرزند فرزانه کشور در داخل گارد جمهوری هماهنگی قطعات داخل گارد از بین میرود. وقتیکه صاحب جان خان قوماندان گارد از مشکلات و بی نظمی داخل گارد واقف میشود وی هم برای چند ساعت خود را مخفی میسازد و لباس های نظامی را میکشد. **خلص مطلب.**

طرح روسها این بود اگر کودتا خلقیها ناکام میشود انها باید برای آینده یک گروه دیگر خود را که عبارت از حزب پرچم بود بنام مدافعین دولت در بدنه حکومت داشته باشد.

حالا سوال من از داکتر صاحب محمد حسن شرق، پاچاگل وفادار، ضیا مجید و سرور نورستانی قوماندان قوا چهار زره دار که انها در روز کودتا ۷ ثور در کابل تشریف نداشتند، اینست ان اینکه؟

شمایان در دوران جمهوری زیاد اعتبار و منزلت داشتند یا در دوران حکومت خلق و پرچم؟! شما چرا از اصول و پرنسیپ رهبر تحول ۲۶ سرطان عدول کردند. ایمان و باور کامل دارم اگر شمایان از اصول و پرنسیپ های رهبر تحول ۲۶ سرطان عدول نمیکردید هیچ وقت مورد خشم داودخان واقع نمی شدید و مانند غلام حیدر رسولی، سید عبدالاله، عبدالقدیر نورستانی، سید

وحید عبدالله و غوث الدین فایق در پهلو محمد داودخان قرار میداشت. خوب میدانم امروز هر چی که شمایان میفرمایید صرف بخاطر رفع گناهان خود میگوید. و بس!!!!

از جمله **یکصد یازده** نفر کودتاچی ۲۶ سرطان ، که بلفعل در شب کودتا ۲۶ سرطان اشتراک داشتند در قوا زمینی پیاده ، هوایی و احتیاط صاحبمنصبان که در اتحاد جماهیر شوروی تحصیل نموده بود سه نفر ، امریکا چهار نفر ، هند یک نفر و اترش یک نفر تحصیل نموده قرار ذیل است.

قوا ( ۴ ) چهار و قوا ( ۱۵ ) پانزده زره دار: ۱- نفر غلام حیدر رسولی تحصیلات هندوستان. / ۱ یک نفر سرور نورستانی اتحاد شوروی / ۲۹ بیست نو نفر حربی پوهنتون و خورد ظابطان کابل. جمله ( ۳۱ سی ویک نفر. )  
در قوا هوایی : ۱۶ ، شانزده نفر تحصیل یافته اتحاد شوروی ، ۴ ، چهار نفر در ایالات متحده امریکا / ۱۴ چهارده نفر پوهنتون هوایی کابل. جمله ( ۳۴ سی و چهار نفر )

قطعه کومانو : ۱ یک نفر- فیض محمد وزیری تحصیلات شوروی/ ۶ شش نفر دیگر تحصیلات حربی پوهنتون کابل. جمله ( ۷ هفت نفر )

قطعه انطباط شهری : ۶ شش نفر همه تحصیلات حربی پوهنتون کابل. جمله ( ۶ شش نفر )  
صاحبمنصبان احتیاط : دو نفر اتحاد شوروی/ ۱ نفر اتریش / ۲۹ بیست نو حربی پوهنتون و اکادمی پولیس/ جمله ( ۳۲ سی دونفر )

ماخذ: داکتر محمد حسن شرق ( تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان ) صفحه ۴۸۶ .

### روح شاد باد ای داودخان قهرمان.

از صداقت و جوانمردی تان یک عده دوستان تان سو استفاده نمودند. گناه خودت نبود، گناه انانی بود که از اصول و پرنسیپ شماعدول کردند...!!

من از دشمنان چی نالم

هر آنچه که کرد دوستان کرد.

( نوبت ) جنرال بابا جان قوماندان پوهنتون تخنیک خسر جگرن شهزاده قوماندان کندک تانک لیوا قوا پانزده زره دار کسی بود که اولین بار ساعت یازده نیم بجه روز از دفتر قوماندانی پوهنتون تخنیک به برادرم عبدالمجید باز سریاور مقام جمهوریت تلفون میکند وی به برادرم در تلفون میگوید که شش عراده تانک به بسیار سرعت بطرف شهر کابل میرود، برادرم هم خلاف عرف مجلس وزرا راپور جنرال باباجان را در پرزه مینویسد و به پیش روی داودخان در جریان مجلس وزرا می ماند.